

آموزش و پرورش تطبیقی چیست و به چه کار می‌آید؟

معرفی مقاله

تألیف: لِه تانه خوی Le Thành Khôi
ترجمه: مرتضی امین فر

«آموزش و پرورش تطبیقی» یکی از شاخه‌های «دانش تعلیم و تربیت» یا علوم تربیتی است که به مطالعه نظام‌های مختلف آموزش و پرورش کشورها پرداخته، شباهتها و تفاوت‌هایی را که میان عوامل این نظام‌های آموزشی وجود دارند مورد تطبیق و مقایسه قرار می‌دهد. این رشته علوم تربیتی، از طریق جستجوی راه حل مسائل تعلیم و تربیت در سطح جهانی، به کشورها کمک می‌کند تا بتوانند مسائل آموزش و پرورش ملی خود را بهبود بخشیده، و همان اشتباهاتی را که دیگران داشته‌اند تکرار ننمایند.

مقاله حاضر توسط «لِه تانه خوی» کارشناس یونسکو فراهم آمده و توسط برادر مرتضی امین فر عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت تحریریه فصلنامه ترجمه گردیده است.

این مقاله ابتداء تاریخچه آموزش و پرورش تطبیقی را مورد بررسی قرار داده؛ سپس حوزه یا قلمرو این رشته را بررسی نموده؛ واحدهای مورد مقایسه، و ماهیت مقایسه را در آموزش و پرورش تطبیقی مورد بحث قرار می‌دهد. پس از آن مراحل پژوهش در آموزش و پرورش تطبیقی ارائه گردیده، و کاربرد روشهای آماری و ریاضی در این زمینه بررسی می‌شود، و بالأخره مقاله با

اشاره به روشهای تحلیل کمی و کیفی در آموزش و پرورش
تطبیقی پایان می‌یابد. به امید آن که بتوان از مطالب این مقاله در
مطالعات تطبیقی بهره‌مند گردید.

«فصلنامه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در تعریف «آموزش و پرورش تطبیقی» می‌توان گفت: «علمی است که در ارتباط با زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جوامع مختلف، در پی جستجو، تحلیل و تفسیر شباهتها و تفاوت‌هایی است که میان رویدادهای آموزشی و پرورشی این جوامع وجود دارد.»

کلمه «علم» در اینجا تا اندازه‌ی زیادی مفهوم «نسبی» دارد؛ زیرا که پژوهشگر آموزش و پرورش تطبیقی نمی‌تواند خود را به طور کامل از پیشداوریه‌ها و نظام‌های ارزشی خودرها سازد — پیشداوریه‌ها و ارزش‌هایی که همیشه از آنها آگاه نیست — مخصوصاً که علوم انسانی موضوع، مقصود، و نتیجه‌ی کشمکش‌های اجتماعی است.

بیان این مطلب بدان مفهوم نیست که این علوم نباید در جستجوی واقعیت عینی و حقیقت باشند؛ یا روش‌هایی شبیه به آنچه که در علوم طبیعی به کار می‌رود را نمی‌توانند مورد استفاده قرار دهند. بلکه این علوم نیز همان شیوه‌ها را به کار برده، و از روش‌های بررسی، مشاهده، آزمایش، و پی‌شگویی استفاده می‌کنند. هرچند که کاربرد آنها در این علوم به دقت علوم طبیعی نیست.

تاریخچه آموزش و پرورش تطبیقی

تاریخ آموزش و پرورش تطبیقی نشان می‌دهد که این رشته از دانش بشری هر چند که سابقه‌ای طولانی دارد، اما تا سال‌های اخیر مرتبه‌ی علمی نیافته بود. پیشروان اولیه‌ی این رشته افرادی بوده‌اند که نهادهای کشورهای مورد بازدید خود را توصیف نموده، و اکثراً در این زمینه آثاری تألیف کرده‌اند. این افراد را می‌توان در یونان (گزنفون Xenophon)؛ در روم قدیم (سیسرو Cicero و سزار Caesar)؛ در چین (یی‌تسینگ Yi-tsing) و در دنیای اسلام (سلمان Sulaman و ابن خلدون Ibn Khaldun)، یافت.

با وجود این، تولد این علم را می‌توان در سال ۱۸۱۷ دانست که کتاب مارک آنتوان ژولین (Marc-Antoine Jullien) زیر عنوان «طرح اولیه و دیدگاه مقدماتی از یک اثر آموزش و پرورش تطبیقی»^۱ در این سال منتشر شد. ژولین برای بهبود تقایص آموزش و پرورش زمان خود پیشنهاد کرد که اگر مطالعه‌ای در زمینه مدارس، و روش‌های تدریس کشورهای مختلف به عمل آید؛ بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله پرسشنامه‌ای یکسان؛ و ارائه آنها در «جداولی تحلیلی» می‌توان اصولی را برای یک علم «تقریباً مستقل» استنتاج نمود؛ تا بدان طریق بتوان نظام آموزش و پرورش ملی را بهبود بخشید.

تکوین و تکامل آموزش و پرورش تطبیقی در ابتداء خیلی کند بود. در خلال قرن نوزدهم، این دانش به جای آن که آموزش و پرورش «تطبیقی» باشد، عمده‌ی جنبه مطالعه آموزش و پرورش کشورهای خارج را در بر می‌گرفت. اولین مفاهیم نظری این علم در قرن بیستم به وسیله آرنولد

(Arnold)؛ سدلر (Sadler)؛ کندل (Kandel)؛ هنس (Hans)؛ و اشنایدر (Schneider) به وجود آمد. این مفاهیم بر این پایه نظری قرار داشتند که شکل‌گیری نظام‌های آموزش و پرورش به وسیله تعدادی از نیروهای مشخص، یا عواملی چون عوامل: طبیعی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، و مخصوصاً آنچه که «شخصیت ملی» نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد. این مفاهیم نظری، که عمدتاً دربرگیرنده تصورات صاحب‌نظران آنها است، خیلی مبهم‌اند؛ به طوری که این تصورات تابع هیچ روش علمی، که بر پایه مدارک و شواهد عینی تجربی شکل گرفته باشد، نبوده؛ بلکه مجموعه‌ای از مباحث فلسفی، یا حتی افکار تخیلی می‌باشند. مخصوصاً «شخصیت ملی» از بیان علل تفاوتها، یا شباهتهایی که میان نظام‌های ملی موجود است، ناتوان است. و بالأخره، تمام این صاحب‌نظران تنها با اروپا و آمریکای شمالی آشنا بوده‌اند.

رشد و تکامل آموزش و پرورش تطبیقی با ارائه روش‌های تحلیل کمی در این رشته که خود بر اثر افزایش و فراوانی آمار حاصل شده بود، میسر گردید. از دیگر عوامل این پیشرفت می‌توان به تمرکز تحقیقات بر مسائل خاص به جای مقایسه‌های خیلی کلی و گسترش مطالعات تطبیقی به کشورهای جهان سوم، که دارای همان اهمیتی بودند که کشورهای دیگر دارا بودند، اشاره نمود. مخصوصاً این امر اخیر امکان ارزیابی نظریه‌ها، مفاهیم، و روش‌هایی که در کشورهای غربی تکوین یافته بودند، و لزوماً مناسب با زمینه‌های دیگر کشورها نبودند را میسر گردانید.

اکنون آموزش و پرورش تطبیقی تلاش می‌کند تا اصولاً یک رشته علمی جهانی بشود، و از نگرش‌های نژادگرایی، قوم‌مداری، و ملی‌گرایی رهایی یابد؛ تا محتملاً بتواند «قوانین» حاکم بر روابط میان آموزش و پرورش و جامعه را در انواع مختلف ساختهای اجتماعی، و در زمانهای مختلف از تاریخ انسانها کشف کند. این روند تکاملی آموزش و پرورش تطبیقی با کار سازمان‌های جهانی توسعه بیشتری یافته است؛ و سازمان‌هایی از قبیل: «دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت»^۱؛ «یونسکو»^۲؛ «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»^۳؛ «شورای اروپا»^۴؛ «سازمان کشورهای آمریکایی»^۵؛ «مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی»^۶؛ و بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی و مجامع آموزش و پرورش تطبیقی در کشورهای مختلف به این روند کمک نموده‌اند. اکنون دو مجمع بین‌المللی که عبارتند از: «انجمن آموزش و پرورش تطبیقی در اروپا»^۷، و «شورای جهانی انجمن‌های آموزش و پرورش تطبیقی»^۸، برای این امر وجود دارد؛ و این انجمن اخیر تاکنون پنج کنگره جهانی به ترتیب زیر برگزار کرده است:

۲ - ژنو در سال ۱۹۷۴

۳ - لندن در سال ۱۹۷۷

۴ - توکیو در سال ۱۹۸۰

۵ - پاریس در سال ۱۹۸۴

آموزش و پرورش تطبیقی هنوز یک رشته علمی جوانی است که در یک وضعیت نامطمئن علمی به سر می‌برد؛ و هنوز مشاجرات زیادی درباره ماهیت، هدف، و روش آن وجود دارد. ما به جای بحث درباره این مشاجرات، که ممکن است برای خوانندگان کسل کننده باشد، ترجیح می‌دهیم عقاید خود را در این زمینه ارائه نماییم.

هدف آموزش و پرورش تطبیقی

آموزش و پرورش تطبیقی یک «رشته علمی»^{۱۰} که به صورت یک موضوع درسی درآمده باشد نیست، بلکه یک «حوزه مطالعاتی»^{۱۱} است. یک رشته علمی با هدفها، مفاهیم، و روشهایش تعریف می‌گردد. از این نظر، با آن که آموزش و پرورش تطبیقی هدف دارد - که می‌توان هدف آن را مقایسه حقایق آموزشی و پرورشی دانست - لکن از خود روش خاصی ندارد. البته آموزش و پرورش تطبیقی روش مقایسه‌ای (تطبیقی) را به کار می‌برد، اما این روش در تمام علوم اجتماعی، اعم از اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و غیره به کار می‌رود؛ و بنابراین نمی‌توان آن را به طور خاص به یک رشته علمی نسبت داد.

«مقایسه» هم هدف است و هم روش، (مانند تاریخ)، ولی این هدف چند وجهی است؛ یعنی از دیدگاههای مختلف: تاریخی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، روان‌شناسی، تربیتی و غیره، می‌توان به آن دست یافت.

مثلاً اگر مقایسه تربیت معلم دو کشور را مورد توجه قرار دهیم، می‌توان آن را از نقطه نظر «آموزشی و پرورشی» مطالعه نمود؛ یعنی محتوا و روشهای این تربیت را مورد توجه قرار داد؛ یا از نقطه نظر «روان‌شناسی»؛ یعنی انگیزه‌ها و علائق مربوط را در نظر گرفت؛ یا از دیدگاه «جامعه‌شناسی» به بررسی پرداخت؛ یعنی اثرات خاستگاه طبقاتی افراد را بر تربیت معلم، و نتایج آن را بر تحرک طبقاتی در جامعه مورد بررسی قرار داد؛ یا از دیدگاه «اقتصادی» به مطالعه هزینه‌ها و منافع حاصل از تربیت معلم توجه نمود؛ و یا از دیدگاه «تاریخی»، و از این قبیل به مطالعه پرداخت.

البته واضح است که در پی جویی شباهتها و تفاوتهای نظامهای آموزشی، روش تحلیل یکسان نخواهد بود؛ بلکه در ارتباط با موضوع مورد بررسی، طبیعت این روشها جنبه: آموزشی و

پرورشی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، و از این قبیل خواهد داشت. بر این اساس می‌توان گفت که آموزش و پرورش تطبیقی هدف دارد، اما روش‌هایی از خود ندارد؛ و نتیجتاً نمی‌توان آن را به عنوان یک رشته علمی مجزاً تعریف نمود، بلکه یک دانش چند رشته‌ای است. هدف آموزش و پرورش تطبیقی دارای چندین بعد است که به ترتیب در زیر بیان می‌گردد.

حوزه یا قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی

این حوزه، قلمرو رویدادها و حقایق آموزشی و پرورشی جوامع می‌باشد. اصطلاح «حوزه»^{۱۲} که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته، در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی بر اصطلاح «سیستم یا نظام» ترجیح دارد؛ زیرا که سیستمها یا نظامهای آموزشی در معنای دقیق آن، در سالهای اخیر ظهور یافته‌اند، (یعنی از قرن نوزدهم به بعد)؛ گذشته از این، به علت آن که در آموزش و پرورش تطبیقی عموماً تمام ابعاد نظامهای آموزشی با یکدیگر مقایسه نمی‌شوند، بلکه اجزاء و عواملی از این نظامها، یا روابط بین این عوامل مورد مقایسه قرار می‌گیرند، اصطلاح «حوزه» بر «سیستم» در اینجا برتری یافته است.^{۱۳}

این عوامل مورد مطالعه در آموزش و پرورش تطبیقی عبارتند از:

۱- آرمانها،^{۱۴} مقاصد^{۱۵}، و هدفهای عینی^{۱۶} آموزش و پرورش؛ که به ترتیب هر چه از سطح کلی به سطح عینی نزدیک می‌شوند، از دقت و صراحت بیشتری برخوردار می‌گردند. مثلاً ما می‌توانیم در این زمینه تفاوت میان آرمانهای نظام سیاسی را در زمینه تعلیم و تربیت، با هدفهای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت تمیز دهیم.

۲- سازمانهای اداری و مالی آموزش و پرورش، که بستگی به آن دارد که کشور به صورت فدرال (ایالت‌های نسبتاً مستقل و متحد) اداره شود، یا به صورت یک تشکیلات واحد؛ به‌طور متمرکز اداره گردد، یا غیر متمرکز؛ و جزئیات کشورهای سوسیالیستی باشد، یا جزئیات کشورهای دارای بازار آزاد.

۳- ساختارهای آموزش و پرورش، که به سطوح و دوره‌های تحصیلی تقسیم گردیده؛ دربرگیرنده رشته‌ها و تخصص‌ها، و ارتباط بین آنها می‌باشند.

۴- محتواهای آموزش و پرورش، که نتیجه هدفهای کلی نظام آموزشی، و هدفهای خاص هر موضوع درسی در هر سطح از آموزش و پرورش می‌باشند؛ که البته ممکن است این محتواها از هدفهای اصلی خود دور و منحرف شده باشند. گذشته از این، حتی اگر این محتواهای آموزش و پرورش نمایشگر همان هدفهای اصلی خود باشند، باز ممکن است افرادی که این محتواها برای آنها در نظر گرفته شده، نتوانند آنها را به سهولت در هر ناحیه و محیطی که

هستند دریافت دارند؛ که باید به این مطلب نیز توجه شود.

۵ - روشها و فنون تعلیم و تربیت، محتواها و روشهای آموزش و پرورش به یکدیگر وابسته اند؛ و هیچ یک از آنها از فلسفه تعلیم و تربیت مشخصی جدا نبوده، و در برگیرنده مفهوم خاصی از جهان می باشند، (بر جهان بینی خاصی تکیه دارند)؛ بنابراین در آموزش و پرورش تطبیقی مطالعه تفاوت هایی که نتیجه تعبیر و تفسیر این زمینه ها است، بسیار جالب توجه است.

۶ - عوامل اجرایی آموزش و پرورش، که در اینجا، معلمان و یادگیرندگان، اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، و بزرگسالان؛ و ارتباطات تعلیم و تربیتی بین آنها مورد نظر است.

واحدهای مورد مقایسه در آموزش و پرورش تطبیقی

مقایسه میان کشورها رایج ترین نوع مقایسه است، زیرا که «کشور - دولت»^(۱۷) از نقطه نظر قانونی، سیاسی، و اقتصادی، بنیاد نظام جهانی است؛ و در این سطح است که ما می توانیم بیشترین اطلاعات و آمار مورد نیاز را به دست آوریم. با وجود این، در سطح آموزش و پرورش و فرهنگ، لزوماً «کشور - دولت» مهم ترین واحد نخواهد بود، مخصوصاً اگر که آن «کشور - دولت» اخیراً استقلال خود را به دست آورده باشد، و ساخت تشکیلاتی مناسبی نداشته؛ بلکه بر اثر استعمار حتی پس از استقلال، با ایجاد مرزهای موضوعی، برای استقلال و هویت ملی خود با مسائل و مشکلاتی روبرو باشد. این مسائل و مشکلات حتی برای کشورهای مستقلی که دارای تاریخ طولانی هستند نیز به صورت نابرابریهای آموزش و پرورش در داخل این کشورها، که به شکل نامناسب بودن آموزش و پرورش بانوان و اقلیتها جلوه می نمایند، ما را از مسائل داخلی این کشورها در زمینه آموزش و پرورش آگاه می کنند.

مقایسه های درون کشوری، مقایسه ها را می توان در مورد واحدهای مختلف درون یک کشور به کار برد؛ مثلاً: فاصله هایی که از نظر آموزشی و پرورشی، (و از نظر اداری، اقتصادی، و سیاسی)، میان نواحی شهری و روستایی وجود دارد؛ یا فاصله ای که بین استانها و نواحی مختلف ایالت های یک کشور فدرال موجود است را مورد بررسی قرار داد؛ یا وضع نژادهای مختلف، (یا ملیتهای گوناگون را در یک کشور چند ملیتی، یا اکثریت و اقلیت را، و یا اتباع کشور، و مهاجران) را مقایسه نمود؛ و یا حتی مؤسسات آموزشی را از نظر دولتی بودن یا خصوصی بودن مورد مطالعه و بررسی قرار داد؛ و از این قبیل.

بالاخره، مقایسه های برون کشوری نیز اکثراً انجام می گیرد، که ارزش علمی آن محدود است، اما روندهای مشخصی از جریان کلی تعلیم و تربیت را در جهان آشکار می نمایند. این مقایسه های برون کشوری اکثراً میان نواحی مختلف فرهنگی جهان؛ یا میان کشورهای توسعه

یافته و کشورهای در حال توسعه؛ بین کشورهایی که دارای نظام سرمایه‌داری هستند با کشورهای که نظام سوسیالیستی بر آنها حاکم است، به عمل می‌آید؛ و یا مقایسه میان مناطق اصلی جهان که شامل: کشورهای منطقه آمریکای لاتین و دریای کارائیب؛ کشورهای عربی؛ کشورهای آسیایی؛ کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، و از این قبیل می‌شود، انجام می‌گیرد.

ماهیت مقایسه در آموزش و پرورش تطبیقی

مقایسه ممکن است به طور ساده رویدادها را توصیف کند و طبقه‌بندی نماید؛ ولی می‌تواند از این حد فراتر رفته، آنها را ارزشیابی کرده و مورد تعبیر و تفسیر قرار دهد.

توصیف^{۱۸}

توصیف معمولاً در پاسخ به سؤال «چگونه است؟»^{۱۹} می‌آید. مثلاً در پاسخ به این سؤال که می‌پرسد: برنامه‌ریزی آموزشی در کشورهای (الف) و (ب) چگونه است؟ توصیف قرار می‌گیرد. یعنی رویدادها و حقایق به طریقی ارائه می‌شوند که جریان تشکیل مفاهیم، در مورد این که «برنامه‌ریزی» چیست؟؛ «آموزش و پرورش» چیست؟ و در چه زمینه مناسب اجتماعی - سیاسی این مفاهیم شکل می‌گیرند را، توصیف نمایند.

طبقه‌بندی^{۲۰}

طبقه‌بندی سطح متوسطی را بین «توصیف» و «تعبیر و تفسیر»^{۲۱} تشکیل می‌دهد؛ و به مفهومی (یا مفاهیمی) اشاره دارد که به کمک آن می‌توان تجرید و تعمیم مفاهیم را تنظیم نمود. البته باید تفاوت میان «طبقه‌بندی» را با «نمونه‌شناسی»^{۲۲} که نمونه‌ها را بر حسب مشخصات خاص آنها دسته‌بندی می‌کند، تشخیص داد. چون «طبقه‌بندی» تعمیم می‌دهد، و حال آن که «نمونه‌شناسی» فردی می‌سازد. بنابراین، ما می‌توانیم برنامه‌ریزی آموزشی را بر حسب دو نوع اصلی آن، که نوع «سوسیالیستی»؛ و نوع «کاپیتالیستی» می‌باشد، طبقه‌بندی نماییم. یعنی طبقه‌بندی ما بر اساس نظامهای اقتصادی آنها، که در نظام سوسیالیستی بر اشتراکی بودن وسایل تولید؛ و در نظام سرمایه‌داری بر بازار آزاد تکیه دارد، قرار می‌گیرد. البته هر یک از این دو نظام دارای نمونه‌های مختلف دیگری نیز می‌باشند.

ارزشیابی^{۲۳}

ارزشیابی که همیشه در رابطه میان دانش‌آموزان و معلمان وجود داشته است، اخیراً حوزه

فعالیت خود را به تمام نظام آموزش و پرورش گسترش داده است، چون این تمایل وجود دارد که نظام آموزشی نه تنها از دیدگاه آموزشی و پرورشی، بلکه از دیدگاه تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن نیز مورد قضاوت و ارزشیابی قرار گیرد.

یکی از جامع‌ترین پژوهش‌های تجربی در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی مربوط به پژوهشی است که «انجمن بین‌المللی ارزشیابی دستاوردهای آموزشی و پرورشی»^{۲۲} در حدود بیست کشور که دارای درجه‌های مختلف صنعتی بوده‌اند، به عمل آورده است. در این بررسی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس: ریاضیات، علوم تجربی، ادبیات، درک مطالب خواندنی، انگلیسی و فرانسه به عنوان زبان خارجی، و علوم اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تعبیر و تفسیر

تعبیر و تفسیر پدیده‌ها برای مدت زمانی طولانی، از تصورات مبهمی که نتیجه فلسفه‌های تاریخی یا ماقبل تاریخی معینی بودند، رنج می‌برد. اما باید دانست که تحقیق تجربی نیز یک مأخذ کافی برای روش علمی نیست. چون آمار و اطلاعات با روش خاصی به دست آمده‌اند، و مورد تعبیر و تفسیر نیز قرار می‌گیرند؛ لذا این آمار و اطلاعات بی‌طرف نیستند.

در زمینه تعبیر و تفسیر دو نوع تعبیر و تفسیر را می‌توان از یکدیگر تشخیص داد، یک نوع آن امور را از لحاظ سیر تاریخی مورد توجه قرار می‌دهد؛ و دیگری امور را به طور همزمان و بدون توجه به سیر تاریخی آنها بررسی می‌کند. همچنین دو نمونه اصلی تعبیر و تفسیر از امور نیز از یکدیگر متمایزند: نمونه اول تعبیر و تفسیری است بر بنیاد نگرش: «کنش گرایی»، «ساختی-کنشی»، و «سیستمی»^{۲۵} و نمونه دوم تعبیر و تفسیری است بر اساس نگرش مارکسیستی. یکی از این دو نمونه بر «حفظ تعادل»، یا «تعادل پویا» تأکید می‌کند؛ و دیگری بر تضاد و تنازع میان طبقات.

مقایسه امور ثابت و امور پویا

همانند دیگر علوم اجتماعی، آموزش و پرورش تطبیقی نظام‌های آموزشی را در یک مقطع زمانی محدود مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ یا تحول آنها را در یک دوره زمانی بررسی می‌کند. در هر دو صورت، ضرورت دارد که تأثیر جامعه بر آموزش و پرورش، و همچنین تأثیر آموزش و پرورش بر جامعه در مطالعات منظور گردد؛ که در مورد تأثیر جامعه بر آموزش و پرورش می‌توان به اثری که اقتصاد، ساخت اجتماعی، و فرهنگ بر این نهاد دارند استشهاد نمود؛ و در مورد تأثیر

آموزش و پرورش بر جامعه می‌توان به پرورش روحیه علمی و تولید دانش در جامعه، و پرورش روحیه انتقاد اجتماعی، و کشمکشهای ضد امپریالیستی اشاره کرد.

تغییر و تحولات ممکن است خود نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهند، مانند تغییراتی که در کلّ نظام آموزش و پرورش یک کشور پس از انقلاب به وجود می‌آید؛ یا ممکن است تنها بخشهایی از نظام آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار دهند، که این امر بیشتر وقوع یافته است. بنابراین، در آموزش و پرورش تطبیقی لازم است به مقایسه عوامل، انواع، و فراگردهای تغییر، اصلاحات و نوآوریها توجه شود؛ همان‌طور که لازم است موانع تغییر و تحوّل که در داخل یا خارج از نظام آموزش و پرورش قرار دارند، در کشورهای «توسعه یافته» و «در حال توسعه» مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند.

علم و عمل در آموزش و پرورش تطبیقی

در پاسخ به این سؤال که چه هدفی به وسیله آموزش و پرورش تطبیقی تأمین می‌شود؟ می‌توان گفت که: مثل سایر علوم، آموزش و پرورش تطبیقی نیز تلاش می‌کند تا دانش لازم برای عمل را فراهم آورد؛ اما خود این دانش نیز ممکن است برای خودش مطلوب باشد؛ یعنی مطالعه نظامهای خارجی امکان درک بهتر نظام ملی را فراهم می‌سازد، تا افراد و جوامع از تنگ‌نظریها و خودمحوربینی‌های روشنفکر مآبانه رها گشته، و در تفاهم بهتر بین‌المللی شرکت نمایند. به هر حال، آموزش و پرورش تطبیقی ممکن است معیار منطقی و دقیقی که هدایت‌کننده عمل آموزش و پرورش باشد، فراهم نیآورد؛ چون که جریان آموزش و پرورش در اکثر کشورها، بیشتر تحت تأثیر اصولی است که از علوم مختلف تربیتی استخراج گردیده، و بازمینه‌های فرهنگی هر جامعه وفق داده شده است. با وجود این، آموزش و پرورش تطبیقی سررشته‌های مفیدی، در این زمینه که کشورهای مختلف چگونه توانسته‌اند این مسائل را حلّ کنند، فراهم می‌آورد. این سررشته‌ها می‌توانند چون راه‌حلهایی مفید به وسیله کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرند، تا نظام تعلیم و تربیت خود را بهبود بخشیده، و همان اشتباهاتی را که دیگران داشته‌اند، تکرار ننمایند. این امر احتیاطهای فراوانی را می‌طلبد؛ که الگوی باارزش مورد توافق عام در این زمینه وجود ندارد.

روشها و فنون مقایسه

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، آموزش و پرورش تطبیقی با هدفهایش تعریف می‌گردد. این رشته روش خاص یا روش‌شناسی مخصوص به خود ندارد. «روش تطبیقی و مقایسه‌ای»

مورد استفاده تمام علوم اجتماعی است؛ و برحسب آن که پژوهش جنبه آموزشی و پرورشی، تاریخی، اقتصادی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، یا هر دیدگاه دیگر که داشته باشد، در چارچوب کلی این روش، روشهای خاص آن حوزه را مورد استفاده قرار می‌دهد.

در یک مطالعه واقعی، این «هدف» است که «روش» مورد پذیرش را (یا روشها را، اگر شیوه کار چند رشته‌ای باشد)، معین می‌کند.

«روش» جهت کلی مطالعه، چگونگی انتخاب اطلاعات و آمار، و فنون کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و این همه به سهم خویش نتایج را مشخص می‌نمایند. توجه به این اثر متقابل «هدف» و «روش» بسیار ضروری است، تا نگوئیم که اطلاعات و آمار، و شیوه‌ها و فنون «بی‌طرف و خنثی» هستند؛ و بنابراین گرفتار تعبیر و تفسیر غلط، و نتایج غیر واقعی نشویم.

مراحل پژوهش در آموزش و پرورش تطبیقی

تحقیق در همه موارد چندین مرحله مشخص را در بر می‌گیرد، که گاه این مراحل به طور همزمان وقوع یافته و بر روی یکدیگر قرار می‌گیرند. این مراحل عبارتند از:

۱ - تشخیص مسأله^{۲۶}

یک مسأله باید به روشنی تعریف شود، تا به دقت مورد مطالعه قرار گیرد؛ و چون در اولین برخورد با مسأله، هدف هرگز به وضوح روشن نیست، کاملاً ضروری است که «مسأله» به شکل مفاهیم بیان شود، و هدف تحقیق تعریف گردد.

۲ - تنظیم فرضیات یا سوالات^{۲۷}

یک فرضیه، عبارت از یک رابطه‌ای است که گمان برده می‌شود بین دو یا چند متغیر وجود دارد. فرضیات و سوالات، خطوط اصلی هر مطالعه‌ای را مشخص می‌کنند، و هدف آنها گردآوری داده‌ها یا اطلاعات اولیه است.

۳ - مشاهده^{۲۸}

این مرحله از پژوهش به گردآوری داده‌ها، و داده‌پردازی (به عمل آوردن این اطلاعات اولیه) مربوط به هر پدیده تحت بررسی، اختصاص دارد. در اینجا باید میان اطلاعات و آماری که به طور آماده در دسترس پژوهشگر قرار دارد؛ (از قبیل اسناد و مدارک نوشته شده)؛ یا آنچه که

در دسترس نیست، و خود او از طریق تهیه پرسشنامه، مصاحبه، جستجوهای محلی، و غیره باید فراهم کند، تفاوت قائل شد. اگر اطلاعات به دست آمده کافی نباشد، لازم است که تمام مراحل قبلی را تجدید و اصلاح نموده، و گاه حتی موضوع را تغییر دهد.

۴ - اثبات یا رد فرضیات^{۳۹}

روشن تطبیق و مقایسه به طوری که «دورکیم»^{۳۰} گفته است: «تجربه غیر مستقیم» است؛ برای آن که پژوهشگر علوم اجتماعی نمی‌تواند، آن طور که پژوهشگر علم شیمی یا فیزیک دست به تجربه واقعی می‌زند، او هم چنین تجربه‌ای را به عمل آورد. اما باید دانست که پیچیدگی حقایق واقعی آن چنان زیاد است که «تجربه غیر مستقیم» هرگز نمی‌تواند نتایج واقعاً مطمئن فراهم آورد.

۵ - تعمیم نتایج^{۳۱}

هدف آموزش و پرورش تطبیقی مثل سایر علوم اجتماعی، آن است که موفق شود «قوانینی» برقرار سازد که به صورت حقایق عمومی، یا روابط کمی نسبتاً ثابتی باشند؛ مثلاً، استقلال نسبی نظام آموزش و پرورش یک کشور را در مقایسه با نظام سیاسی و نظام اقتصادی آن کشور تبیین کند؛ یا این حقیقت را که موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه بیشتر مربوط به وضعیت اجتماعی آنان است تا عوامل مناسب آموزشی، روشن سازد.

باید توجه داشت که، این روشی را که هم‌اکنون بیان شد می‌توان در تمام علوم اجتماعی یافت. اکنون بهتر است به طور خلاصه مسائل خاصی را که در زمینه پژوهش در آموزش و پرورش تطبیقی بروز می‌نمایند، ارائه نماییم.

قابل مقایسه بودن داده‌ها یا اطلاعات اولیه

اگر پژوهشگر آموزش و پرورش تطبیقی، اسناد و مدارک بین‌المللی را مورد استفاده قرار می‌دهد، اولین مسأله‌ای که با آن روبرو می‌گردد، «تعریف نمودن» اصطلاحاتی است که در آنها به کار رفته است. زیرا که یک مفهوم یا اصطلاح ممکن است موقعیتهایی را دربرگیرد که از لحاظ مدت تحصیل در دوره ابتدایی، متوسطه، و عالی؛ یا سن ورود به مدرسه؛ و یا اجباری بودن حضور در مدرسه، و از این قبیل، نسبتاً با یکدیگر متفاوت‌اند. مسأله دیگر مربوط به «معنی» و مقصود» این مفاهیم و اصطلاحات است؛ چون یک نهاد و مؤسسه‌ای که در کشورهای مختلف به یک نام، نامیده می‌شود، ممکن است با توجه به سابقه تاریخی، اجتماعی، دینی، سیاسی، و یا

زمینه‌های دیگری که در هر کشور دارا بوده است، دارای معانی و کارکردهای متفاوتی در کشورهای مختلف باشد.

اگر پژوهشگر آموزش و پرورش تطبیقی، فرهنگهای مختلف را مورد مطالعه قرار می‌دهد، باید به این حقیقت توجه نماید که روشها و فنون «غربی» متناسب با جوامعی است که ابراز وجود فردی را می‌پذیرد؛ و نه برای جوامعی که شخصیت فرد تنها در چارچوب آنچه که به وسیله گروه پذیرفته شده است، باید بروز نماید.

قابل مقایسه بودن «جمعیت‌های» کشورهای مورد بررسی، و متناسب بودن آنها با هدف تحقیق؛ و همانند بودن واحدهای نمونه انتخاب شده برای بررسی، با جمعیت اصلی، حائز کمال اهمیت است.

قابل مقایسه بودن «سوال‌هایی» که در پرسشنامه‌ها درج می‌گردد نیز ضروری است، تا پاسخهای قابل مقایسه به دست آید؛ یعنی یکسان بودن یا معادل بودن این سؤالات، و آشنایی جمعیت‌هایی که این پرسشنامه‌ها برای آنها به کار می‌رود، با این فنون و روشها، و معنای خود سؤالات، لازم است. (چون کلمات یکسان در همه جا معانی یکسان ندارند). گذشته از این، پژوهشگر باید بداند که در این قبیل پرسشنامه‌ها عواملی که از طبیعت انسانی سرچشمه می‌گیرد، ممکن است انحرافهایی از وضعیت واقعی ایجاد نماید. یعنی وجود عامل سوم در مصاحبه، یا رسوم فرهنگی، و ارتباطی که میان پرسشگر و موضوع تحقیق برقرار می‌شود، همه امر تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کاربرد روشهای آماری و ریاضی در آموزش و پرورش تطبیقی

در آموزش و پرورش تطبیقی از ریاضیات و آمار در: ارائه، توصیف، طبقه‌بندی، و تعبیر و تفسیر پدیده‌ها؛ و حتی پیشگویی روند آنها استفاده می‌شود.

ارائه یا «نمایش آماری»^{۳۲} در شکل جداول و یا نمودارها از قبیل: نمودارهای جدولی، نمودارهای سه بعدی، منحنیهای تراکمی یا نمودارهای زمانی، هرمهای ستی، نمودارهای سازمانی، و نقشه‌ها پدیدار می‌گردد. اگر ارائه این جداول و نمودارها روشن و دقیق باشد، آنها کمکی به پژوهش می‌نمایند، و الا اگر پیچیده و پردردسر باشند، خود مانعی برای تحلیل پدیده‌ها خواهند بود.

«توصیف آماری»^{۳۳} نمرات خام را به مشخصات محدودی که در امر مقایسه به کار آید از قبیل: ارقام کلی و درصدها؛ میانگین، میانه، و نما؛ پارامترهای پراکندگی (مانند انحراف از میانگین، واریانس، و ضریب پراکندگی)؛ و شاخصهای رشد، تبدیل می‌نماید.

«طبقه‌بندی آماری»^{۳۲} نیازمند انتخاب معیارها و روشهای گروه‌بندی متناسب می‌باشد. «ارزشیابی»^{۳۵} در بیشتر موارد از روشهای تحلیل «هزینه - کارآمدی»^{۳۶} یا «هزینه - سودمندی»^{۳۷} استفاده می‌کند، (اگر که هزینه‌ها، و منافع یا سودمندیا به طور مستقیم قابل مقایسه باشند). البته لازم است در این زمینه کمال احتیاط منظور گردد.^{۳۸}

«تعبیر و تفسیر آماری»^{۳۹} نیز که مورد استفاده است، همیشه با محدودیتهایی روبرو است. چون روشها و فنونی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، (مثل رگرسیون، همبستگی، و غیره)، یک رابطه علت و معلولی صحیحی برقرار نمی‌نمایند؛ و از دیدگاههای دیگری نیز در معرض انتقاد قرار دارند، یعنی از لحاظ مکانیکی بودن این روشها، خطی بودن آنها، و تکیه بیش از حدی که به علوم تجربی دارند، نیز مورد انتقاد می‌باشند. با وجود این، این معیارها می‌توانند راهنمایهای مفیدی ارائه نمایند.

بالاخره، مقایسه‌های بین‌المللی ممکن است در «پیش‌بینیهای آماری»^{۴۰} تعداد اشخاص، مقدار هزینه‌ها، و از این قبیل، در شرایط مشخصی مفید باشند؛ اما پیش‌بینیهای آموزشی و پرورشی باید با پیش‌بینیهای عواملی که ممکن است حضور در مدرسه را تحت تأثیر قرار دهند، از قبیل: عوامل جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، و دیگر عوامل همراه گردند.

روشهای تحلیل کمی و کیفی در آموزش و پرورش تطبیقی

اگر چه آموزش و پرورش تطبیقی، بر حسب موضوع مورد مطالعه، روشهای مخصوص متفاوتی را به کار می‌برد؛ اما سه نوع از این روشها دارای اهمیت خاصی هستند. این روشها عبارتند از: ۱ - روش تحلیل محتوا؛ ۲ - روش سیستمی؛ و ۳ - روش دیالکتیکی.

«روش تحلیل محتوا» مخصوصاً برای مقایسه کتابهای درسی (اعم از کتابهای مربوط به خواندن زبان، تاریخ، و غیره)، به کار می‌رود؛ که با تحقیق درباره محتوای آشکار و پنهان آنها، نسبت به هدفهای اعلان شده، و یا معیارهای پذیرفته شده برای آنها، این محتواها را با یکدیگر مقایسه می‌کند. البته این تحلیل محتوا طبیعتاً درباره این که چگونه این محتواها، به وسیله افرادی که برای آنها تهیه شده است درک گردیده، مطلبی ارائه نمی‌نماید.

توسعه و تکوین شیوه تحلیل روانی، تحلیل زبان‌شناسی، و علم معانی بیان، روش تحلیل محتوا را غنی ساخته، به طوری که حتی می‌توان این شیوه‌ها را در پیامهای غیر کلامی، و مخصوصاً در مقایسه‌های آثار هنری مورد استفاده قرار داد.

«روش سیستمی» بر بنیاد مفهوم «سیستم» به معنای: «کل متشکل از اجزاء بهم پیوسته در جهت هدفی معین» قرار دارد، «به طوری که خاصیت این کل از جمع خاصیت اجزاء بیشتر

است.» هر سیستم شامل «دروندها»^{۴۱}، «بروندها»^{۴۲} و «فراگردهای»^{۴۳} داخلی که دروندها را به بروندها تبدیل می‌کنند، می‌باشد. این روش یک روش جالب توجه است، اما در آن یک اصلی که بتواند امور را تعبیر و تفسیر کند، وجود ندارد؛ و اکثر آدر پنهان کردن ایدئولوژیهای محافظه‌کارانه به کار گرفته می‌شود.

برعکس «روش دیالکتیکی» بر تضاد و حرکت تأکید می‌نماید. در اینجا مفهوم «کلیت» بیشتر توسعه یافته است تا در روش سیستمی^{۴۴}؛ زیرا که از نظر روش دیالکتیکی واقعیت یک امر مرکب، پویا، و متضاد بوده، و کشمکشهای درونی آن لزوماً به برقراری تعادل نمی‌انجامد. اما باید دانست که روش دیالکتیکی نیز بیشتر از روش سیستمی نمی‌تواند به تعبیر و تفسیر علمی بپردازد، بلکه «دیالکتیک» یک روش است، و نه یک نظریه علمی، آن چنان که مارکسیسم در زمینه تاریخ و تفسیر مادی آن، ادعا دارد که چنین است. به هر حال باید تأکید شود که اصول مارکسیسم نمی‌تواند همه چیز را تبیین و تفسیر کند. گذشته از این، تضاد بین «زیربنا» و «روبنا» [که از اصول مارکسیسم است] نمی‌تواند شامل حال آموزش و پرورش شود؛ زیرا که آموزش و پرورش در عین حالی که زیربنا است، روبنا نیز می‌باشد. یعنی تربیت زیربنا است، چون که برای اقتصاد نیروی انسانی تربیت می‌نماید؛ و روبنا است زیرا که ایدئولوژی مسلط جامعه را انتقال و گسترش می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منبع:

مقاله حاضر از کتاب: «مقدمه‌ای بر شناخت علوم تربیتی» تألیف پروفسور میلااره انتخاب و ترجمه گردیده است. این کتاب توسط مترجم مقاله ترجمه شده، و به زودی چاپ و منتشر می‌گردد.

- 1 – Jullien, M.A., Esquisse et vues Préliminaires d'un Ouvrage sur l'éducation Comparée. Paris, Louis Colas, 1817. 56 p.
- 2 – The International Bureau of Education
- 3 – Unesco
- 4 – The Organization for Economic Co – Operation and Development
- 5 – The Council of Europe
- 6 – The Organization of American States
- 7 – The International Institute for Educational Planning
- 8 – The Society for Comparative Education in Europe
- 9 – The World Council of Comparative Education
- 10 – Discipline
- 11 – Field of study
- 12 – Field

۱۳ – مقصود نویسنده آن است که چون نظامهای آموزشی از قرن نوزدهم به بعد شکل نظام منسجم یافته‌اند، و قبل از آن به صورت سیستم منسجم وجود نداشته‌اند، لذا اطلاق نظام آموزشی به آنها پیش از آن که به صورت نظام درآمده باشند، صحیح به نظر نمی‌رسد. همچنین به علت آن که در آموزش و پرورش تطبیقی بخشی از رویدادها و حقایق آموزشی نظامهای آموزش و پرورش مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند، به جای سیستم آموزش و پرورش تطبیقی، اطلاق حوزه به آموزش و پرورش تطبیقی مناسبتر است.

- 14 – Goals
- 15 – Aims
- 16 – Objectives
- 17 – State
- 18 – Description
- 19 – How?
- 20 – Classification
- 21 – Explanation
- 22 – Typology
- 23 – Evaluation
- 24 – International Association for the Evaluation of Educational Achievement (I.E.A.)

۲۵ – نگرش سیستمی یک نگرش کل نگر است که به بررسی وظایف و نقش اجزاء در عملکرد کل سیستم توجه دارد. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به مقاله اینجانب زیر عنوان: «کاربرد روش سیستمها در آموزش و پرورش»، در فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴ مراجعه فرمایید.

- 26 – Identifying the Problem

27 - Formulation of hypotheses or questions

28 - Observation

29 - Verification of hypotheses

30 - Durkheim

31 - Generalization

32 - Presentation

33 - Description

34 - Classification

35 - Evaluation

36 - Cost - efficiency

37 - Cost - benefit

۳۸ - برای آشنایی بیشتر با چگونگی اندازه‌گیری هزینه‌ها، و منافع حاصل از آموزش و پرورش به منابع زیر مراجعه شود:

- امین‌فر مرتضی، «کاربرد روش سیستمها در آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱، بهار ۱۳۶۴.

- _____، «تجزیه و تحلیل هزینه و سودمندی در برنامه‌ریزی آموزشی»، پلی‌کی، دانشگاه ابریحان بیرونی، سال تحصیلی ۵۷ - ۱۳۵۶.

39 - Explanation

40 - Forecasting

41 - Inputs

42 - Outputs

43 - Processes

۴۴ - به نظر می‌رسد که این قضاوت نویسنده تأمل و پژوهش بیشتری را می‌طلبد.

(مترجم)

برای کسب اطلاع بیشتر در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی به منابع زیر مراجعه شود:

Bereday, G.Z.F. *Comparative method in education*. New York, Holt, Rinehart & Winston. 1964. 302 p.

Berger, W.; Gruber, K. *Die vergleichende Erziehungswissenschaft: Einführung, Forschung, Methoden*. Wien, Jugend und Volk. 1976. 176 p.

Bourdieu, P.; Passeron, J.-C. Comparabilité des systèmes d'enseignement. In: Castel, R.; Passeron, J.-C. *Education, développement et démocratie*. Paris. Mouton. 1967, p.21-58.

Busch, Adelheid, et al. *Vergleichende Erziehungswissenschaft: Texte zur Methodologie-Diskussion* [Comparative education: texts for a discussion on methodology]. München. Verlag Dokumentation Saur. 1974. 309 p.

Debesse, M.; Mialaret, G., eds. *Traité des sciences pédagogiques. T. III: Pédagogie comparée*. Paris. Presses universitaires de France. 1972. 441 p.

- Edwards, R.; Holmes, B.; Van de Graaff, J. eds. *Relevant methods in comparative education*. Hamburg, Unesco Institute for Education, 1973. 270p.
- Faure, E., et al. *Learning to be: the world of education today and tomorrow*. Paris, Unesco. London, Harrap, 1972. 313 p.
- Furter, P. *Les systèmes de formation dans leurs contextes*. Berne, Peter Lang, 1980.
- García Garrido, J.L. *Educación comparada: fundamentos y problemas*. Madrid, Editorial Dykinson, 1982. 444 p.
- Holmes, B. *Comparative education: some considerations of method*. London, Allen & Unwin, 1981. 195 p.
- Holmes, B. *Problems in education: a comparative approach*. London, Routledge & Kegan Paul; New York, Humanities Press. 1965. 326 p.
- King, E.J. *Comparative studies and educational decision*. New York, Bobbs-Merrill; London, Methuen Educational, 1968. 182 p.
- Lê Thành Khôi. *L'éducation comparée*. Paris, Colin, 1981. 315 p.
- Lê Thành Khôi. *L'industrie de l'enseignement*. Paris, Ed. de Minuit, 1967. 419 p.
- Marquez, A.D. *Educación comparada: teoría y metodología*. Buenos Aires, «El Ateneo», 1972. 614 p.
- Noah, H.J.; Eckstein, M.A. *Toward a science of comparative education*. London, Macmillan, 1969. 222 p.
- Orizio, B. *Pedagogia comparativa*. Brescia, Italie, La Scuola, 1977.
- Tusquets, J. *Teoría y práctica de la pedagogía comparada*. Madrid, Editorial Magisterio Español, 1969. 366 p.
- Vexiliard, A. *La pédagogie comparée: méthodes et problèmes*. Paris, Presses universitaires de France, 1967. 213 p.

